

گفتگوی نوح علیه السلام و فرزندش در فراشد طوفان در ترازوی روایت شناسی

قاسم محسنی مری^۱

چکیده

قرآن کریم با جنبه‌های متنوع معرفتی، توصیفی و توصیه‌ای با خوانشگران خود در ارتباط است. یکی از جنبه‌های معرفتی در حوزه توصیفی، شیوه روایتگری قرآن است. با توجه به کوشش مفسران در تفسیر موردی روایت قرآنی در آیات ۴۰ تا ۴۵ سوره هود که به رویداد گفتگوی قهرمان طوفان با فرزندش و دعا کردن برای رهایی او در پایان طوفان می‌پردازد، روشن نشده چگونه در آن شرایط دشوار که کشتی در آن امواج پیکرکوهی قرار گرفته، هم سخنی میان آن دو ایجاد شده است؟ و یا با پایان یافتن طوفان، دعا برای رهایش فرزند از آن گرفتاری در این روایتگری به چه معنا است؟ بنابر روایتگری قرآن کریم، این رویدادها از یک نظام متکی بر توالی خطی زمانی و یا گاهشمارانه در سطح داستان پیروی نکرده است و پریشان مانی زمانی در فرآیند روایت دیده می‌شود. این جستار با رهیافت روایت شناسی و مؤلفه‌های زاویه دید راوی، طرح، ساختار و قوانین حاکم بر آن، با شیوه توصیفی و تحلیل روایی، کنشگری‌های شخصیت‌ها و موقعیت‌های روایت طوفان را به عنوان رویدادی سازگار با توالی خطی زمانی در سطح گفتمان بررسی و آشفتگی زمانی را بی وجه دانسته است.

واژگان کلیدی: روایت طوفان، روایت شناسی، زاویه دید، زمان و مکان، پیرنگ.

۱- استادیار الهیات دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر goshadandish@gmail.com

مقدمه

روایت‌های داستانی، سلسله ای از حوادث برای افراد به شمار می‌روند که به دنبال همدلی میان راوی و خوانندگان هستند که در هرمنوتیک ادبی، به آن همسخنی دو افق معنایی گویند. روایت طوفان نوح علیه السلام در قرآن کریم به طور نامنسجم و پراکنده در سوره‌های متعدد آمده است و فهم هر جزء، روایت و همدلی با آن در پیوست با محتوا و نظام کلی حاکم بر آن سوره‌ها می‌باشد. اما با نظریه روایت شناسی و قواعد همبسته با ساختار روایی (مقدمه، گره افکنی، بحران زایی، کشمکش، گفتگو، شخصیت پردازی، زمان و ...) اجزای متفاوت روایت را می‌توان در آن قالب قرار داد و ریختار نوینی از تعامل میان اجزای روایی ایجاد کرد و همدلی را میان مؤلفه‌های فرستنده، متن و گیرنده آن باز خوانی نمود. چپنشن نوین با سامانه مهندسی در ساختار روایت، افزون بر روایتگری جزئی در هر سوره، روایتی منسجم را می‌سازد که می‌تواند با کانونی شدگی متن و عناصر روایت شناسی، تعامل میان اجزای روایت را درک کند و کاستی‌ها و ناراستی‌های ظاهری را فهم نماید و در پی بازسازی نظام فهمی افزون بر خویشتکاری‌های^۱ متنوع به‌سان هدایتگری^۲، عبرت دهی، دقت در گفتار و گواهی^۳ در نقل روایی، اهداف و پیام روایت را فهم نمود. در این شیوه، روایتگری قرآن زاویه دید^۴ و کانونی شدگی راوی دانای مطلق و پیروی آن از نظام گفتمانی ویژه که روایت شنوها را به فضای روایت نزدیک می‌دارد و آموزه‌های متفاوت توصیفی و توصیه ای خود را بیان می‌کند، از اهمیتی خاص برخوردار است.

در این میان روایتگری قرآن در آیات (۴۰-۴۵) سوره هود، با پردازش صحنه‌هایی، به رویدادهایی اشاره کرده که در درازنای تاریخ اسلام، خوانندگان را به چالش کشانده است. بنابر این آیات؛ نوح علیه السلام و یارانش پس از سوار شدن در کشتی و روان شدن آن، درحالی که موج‌هایی به بزرگی کوه، کشتی را در میان گرفته، نوح فرزندش را در گوشه ای مخاطب قرار داده و از وی می‌خواهد تا بر کشتی سوار شود (هود/۴۲) ولی پسرش نمی‌پذیرد و در این میان موجی بین آن‌ها حایل می‌شود و فرزندش غرق می‌گردد. (هود/۴۳) و در ادامه پس از فروکش کردن آب و فرو نشستن کشتی در کوه جودی، قهرمان روایت از خداوند نجات فرزندش را خواهان می‌شود. (هود/۴۴-۴۵)

۱. ادبیات نظری پژوهش

۱-۱. پیشینه پژوهش

- مقاله "بررسی مؤلفه‌های زمان و مکان روایی در قصص قرآن" از ابوالفضل حری، پژوهش زبان و ادبیات فارسی، ۱۳۸۸، شماره‌های ۷ و ۸، صص ۱۲۵-۱۴۱ به عنصر زمان در روایت با رهیافت ژرار ژنت پردازش

1. Narrative Function
2. Directing Function
3. Testimonial Function
4. Prespective/ Point of Viwe

گردیده است. وی تلاش می‌کند پیوند زمان روایت و زمان متن یا گفتمان و نیز مؤلفه‌های در پیوستار با آن به‌سان نظم، تداوم و بسامد را با ذکر نمونه‌هایی از روایتگری قرآن بپردازد و درنهایت نتیجه می‌گیرد، تحلیل زمانی و مکانی روایی در قصص قرآن در فهم و تفسیر گزاره‌ها و آیات الهی سودمند است.

- مقاله "تحلیل روایت شناختی سوره نوح بر مبنای دیدگاه رولان بارت و ژرار ژنت"، حسین علی ترکمانی و دیگران، فصلنامه پژوهش‌های ادبی - قرآنی، ۱۳۹۶، شماره ۲۳، صص ۹۱-۱۱۶، نمونه دیگر در پیوستار روایت شناختی است که تلاش شده با بهره‌گیری از دستور زبان روایت شناسی، جلوه‌های هنری و زیبایی‌نمایی روایت‌های قرآنی را آشکار سازد.

- مقاله "تأملی بر نظام چینش آیات در قصص قرآنی با تأکید بر آیات روایتگر طوفان نوح علیه السلام در سوره هود"، منصور پهلوان و دیگران، پژوهش‌های قرآن و حدیث، ۱۳۹۷، شماره ۲، صص ۱۵۵-۱۷۹، از جمله پژوهش‌هایی است که با الگوی رگ برگی در پی ضابطه‌ای برای عدم رعایت توالی زمانی در چینش آیات ۴۲ تا ۴۵ سوره هود می‌باشد. در این جستار سعی شده با تفکیک گزاره‌ها در تقابل دوگانه مؤمنان و کافران، با بهره‌مندی از شیوه رگ برگی تمامی رویداد طوفان را با ترتیب زمانی سازگار جلوه دهد. چنان‌چه دانسته می‌شود ایده تقابل بر نظریه ساختارگرایی متن استوار است. در این رهیافت، بن‌مایه‌های معنایی در متن در تقابل با یکدیگر تعیین می‌گردند تا ایده‌ای کلی که موجب تولید معنا می‌گردد، مشخص شوند. (رولان بارت، ۱۳۷۰: ۳) هرچند مؤلف محترم تلاش می‌نماید زمان پریشی در رخداد گفتگو میان قهرمان طوفان را در آن شرایط روایتی توجیه نماید، اما مشخص نکرده که این الگوی پیشنهادی دارای چه خاستگاهی است و از سوی دیگر، ایشان با شیوه روایت در سطح داستان و به صورت انضمامی و عینی رخداد، در پی نشان دادن سازگاری مقوله زمان در همسخنی نوح علیه السلام با فرزندش و دعای پایان طوفان برای رهایی او بوده است که به نظر می‌رسد این الگوی روایتی در سطح داستان برای همساز جلوه دادن رویدادها ناکارا باشد.

بنابر گفته‌های پیشین جستاری قابل تأمل و مستقل که به روایتگری قرآن کریم در این مورد با لحاظ مؤلفه زمان، مکان و گفتگو با رهیافت روایت شناسی در سطوح داستان^۱ و متن^۲ با سویه روش توصیفی و تحلیل روایی دیده نشده است. در بازگردان آیات قرآن به زبان فارسی از ترجمه محمد مهدی فولادوند بهره برده شده است.

۲-۱. پرسش‌های پژوهش

۱- براساس روایتگری قرآن کریم، چگونگی این گفتگو در این شرایط با لحاظ عنصر زمان میسر است؟

1. Story
2. Text

۲- قهرمان روایت پس از فروکش کردن آب و فرو نشستن کشتی در کوه جودی، از خداوند نجات فرزندش را خواستار است. با توجه به ظرفیت زمانی در فرآیند طوفان، چگونه چنین درخواستی قابل تصور است؟

۱-۳. فرضیه پژوهش

فرضیه این پژوهش براساس الگوی روایت شناختی است که بیان می‌دارد هم سخنی نوح علیه السلام با فرزندش در روایتگری قرآن کریم، روایت در سطح گفتمان می‌باشد و توالی زمانی آن از روایتگری در سطح داستان پیروی نمی‌کند.

۱-۴. اهمیت و ضرورت پژوهش

روایت در سطح گفتمان که نوعی بازخوانی داستان بر اساس زاویه دید راوی و در پیوستار با سایر عناصر روایت شناختی در پی بیان ایدئولوژی یا سبک خاص در حوزه‌های متفاوت باوری، اخلاقی، روان شناختی، فلسفی و دینی است. روایتگری در این سطح به دنبال سازواری زمانی رویدادها با امور عینی به صورت گاهشمارانه و خطی نیست، بلکه با توانمندی راوی در روایتگری، روایتش از انعطاف پذیری در نقل داستان با قابلیت فشردگی یا گسترانندگی و یا از شاخصه‌های عقب یا جلو بردن رویدادها در روایتگری برخوردار می‌باشد. در این تلقی، خداوند به عنوان راوی دانای مطلق است و روایت براساس زاویه دید ویژه الهی کانونی شده تا پیام حقیقی را در پس روایت به خوانشگران برساند، بنابراین زمان در این رویداد در پیوند با زاویه دید روایتگر، قابل انعطاف است. با این توضیح اهمیت و ضرورت پژوهش در این شیوه سامان مند پیش از پیش موجه و هدفدار می‌گردد.

۱-۵. روش پژوهش

این پژوهش در پی کاربرست روش روایت شناسی ژرار ژنت با شیوه توصیف و تحلیل روایی با گردآوری اطلاعات کتابخانه ای، روایت طوفان در آیات ۴۰-۴۵ سوره هود را در ترازوی روایت شناسی قرار داده و تنش‌های زمانی آن را بررسی و به آشفتگی ظاهری پاسخ داده است. در ادامه این الگو را برای آیات مشابه ای که در ظاهر به پریشان مانی زمانی مبتلا هستند پیشنهاد می‌نماید تا با بازخوانی آن، افزون بر فهم، گسست زمانی را مرتفع سازند.

۲. جنبش سوره هود

آیات روایتگر سوره هود بخشی از گزاره‌ها در پیوستار با داستان نوح علیه السلام در قرآن کریم است. روایتگری‌ها در سطح متن یا گفتمان در قرآن برای بیان اهداف نهفته در آن برای خوانشگران می‌باشد. این سوره با بهره مندی از ۱۲۳ آیه، از نظامی ویژه پیروی کرده و با آن سامانه داستان پیامبران شش قوم را پردازش نموده است. در این روایت نوح علیه السلام و سایر انبیا و اقوامشان در سرشتی همسو با همعصران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از انحرافات و کج روی‌ها در ساحات اندیشه‌ای، گفتاری و رفتاری در پیوست با رسالت انبیای الهی سیر می‌کنند.

این سوره به سان نظام کلی حاکم بر تمام قرآن از جهت ساختارگرایی، اصل تقابل یا دوگانگی، توحید و شرک، ایمان و کفر، حق و باطل در آن وجود دارد و این الگوواره مؤلفه مشترک همه اقوام پیشینی است. براین اساس خداوند پیامبرش را به سوی قومی می فرستد که مردمانش را به سوی نظام توحیدی فراخواند، مردم در پاسخگویی به این فراخوان، با کنشگری متفاوت به دو گروه مؤمن و کافر تقسیم می شوند. نظام توحیدی به طور کلی در این چارچوب استوار است که به کنشگران همسو با مقام رسالت، مؤمن بنامد و به نجات و رستگاری نویدشان دهد و مخالفان و معارضان را کافر بخواند و به عذاب و تحقق آن وعده نماید.

براین اساس آیات آغازین سوره هود به ناملایمات و آزار قوم رسول اکرم صلی الله علیه و آله در نسبت به رسالت و هدایتگری آن حضرت اشاره دارد. گوش ندادن به آموزه های الهی و سحر خواندن آن (هود/۵-۷) سپس رفتار منکرانه، ناسپاسی، ناامیدی و فخر فروشی (هود/۱۰-۹) انکار رسالت، دنیا خواهی، دروغگویی، ستمکاری و آخرت ناباوری (هود/۱۳، ۱۵، ۱۷، ۱۸ و ۱۹) نمونه ای از رفتار خصمانه منکران رسالت می باشد که با گزارشگری آیاتی بازمنون شده و خداوند با ضرب آهنگی ویژه به سرانجام این رفتار انکار گرایانه، که عذاب است، اشاره می کند. (هود/۱۶، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۲) در پی این ساحات گفتاری و رفتاری انکار گرایانه، شاخصه های ایمانی قراردادی که گروه مؤمنان از آن بهره دارند. اینان با شکیبایی در برابر گرفتاری ها، نیک رفتاری را پیشه می سازند (هود/۱۱) البته در این راستا خداوند پیامبرش را توصیه می کند که آموزه های وحیانی را ترک نکند و سینه اش تنگ نگردد. «فَلَعَلَّكَ تَارِكٌ بَعْضٌ مَّا يُوحَىٰ إِلَيْكَ وَصَافِقٌ بِهِ صَدْرُكَ أَنْ يَقُولُوا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ كُتُبٌ أَوْ جَاءَ مَعَهُ مَلَكٌ إِنَّمَا أَنْتَ نَذِيرٌ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ» (هود/۱۲)، «مبادا تو برخی از آن چه را که به سویت وحی می شود ترک گویی و سینه ات به آن تنگ گردد که می گویند چرا گنجی بر او فرو فرستاده نشده یا فرشته ای با او نیامده است تو فقط هشداردهنده ای و خدا بر هر چیزی نگهبان است.» و نیک انجامی، برخورداری از نعمت و رحمت الهی عاقبت مؤمنان است که در تقابل انکار گرایان می باشد. (هود/۲۳، ۶۶، ۹۴) خداوند در پیوست با آیات پیشین در آیه ۲۴ این تقابل رفتاری و گفتاری را در تمثیلی زیبا نمایشگری می کند: «مَثَلُ الْفَرِيقَيْنِ كَالْأَعْمَىٰ وَالْأَصْمَىٰ وَالْبَصِيرِ وَالسَّمِيعِ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا أَفَلَا تَذَكَّرُونَ»، «و مثل این دو گروه چون نابینا و کر [در مقایسه] با بینا و شنواست آیا در مثل یکسانند پس آیا پند نمی گیرید» بیان می دارد سپس این رهیافت را در ملت های پیشینی با روایتگری خاص می گستراند. چنین سوییۀ تقابلی تا پایان سوره ادامه دارد که رفتار منکرانه در برابر رسالت پیامبران سبب ساز عذاب است. (هود/۱۰۱-۱۰۲، ۱۰۶-۱۰۸) روایتگری قرآن کریم از پیامبران پیشین با الگوواره بیان شده، در راستای استواری سازی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در امر رسالت مطرح گشته است. «وَكُلًّا نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُنَبِّئُ بِهِ فُؤَادَكَ وَجَاءَكَ فِي هَذِهِ الْحَقِّ وَمَوْعِظَةٌ وَذِكْرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ» (هود/۱۲۰)، «و هر یک از سرگذشتهای پیامبران [خود] را که بر تو حکایت می کنیم چیزی است که دلت را به آن استوار می گردانیم و در اینها حقیقت برای تو آمده و برای مؤمنان اندرز و تذکری است.»

۳. رهیافت مفسران

مفسران قرآن در رویارویی با آیات ۴۰ تا ۴۵ سوره هود با گمانه‌های متفاوت تلاش کردند پریشان‌مانی زمانی را همبسته با چینش و سامانه ساختاری حاکم بر متن توجیه نمایند. خداوند در روایتگری طوفان در این آیات می‌فرماید: «حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ قُلْنَا احْمِلْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ وَمَنْ آمَنَ وَمَا آمَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ. وَقَالَ اذْكُبُوا فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ مَجْرَاهَا وَمُرْسَاهَا إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ. وَهِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ وَنَادَى نُوحٌ ابْنَهُ وَكَانَ فِي مَعْزِلٍ يَا بُنَيَّ ارْكَبْ مَعَنَا وَلَا تَكُنْ مَعَ الْكَافِرِينَ. قَالَ سَاءَ أَوَىٰ إِلَىٰ جِبَلٍ يَغْصِمُنِي مِنَ الْمَاءِ قَالَ لَا عَاصِمَ الْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا مَنْ رَحِمَ وَحَالَ بَيْنَهُمَا الْمَوْجُ فَكَانَ مِنَ الْمُغْرَقِينَ. وَقِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكَ وَيَا سَمَاءُ أَفْلَعِي وَغِيضَ الْمَاءِ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَاسْتَوَتْ عَلَىٰ الْجُودِيِّ وَقِيلَ بُعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ. وَنَادَى نُوحٌ رَبَّهُ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي وَإِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَأَنْتَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ» (هود/۴۰-۴۵)، «تا آن‌گاه که فرمان ما در رسید و تور فوران کرد فرمودیم در آن [کشتی] از هر حیوانی یک جفت با کسانت مگر کسی که قبلاً در باره او سخن رفته است و کسانی که ایمان آورده اند حمل کن و با او جز [عده] اندکی ایمان نیاورده بودند. و [نوح] گفت در آن سوار شوید به نام خداست روان‌شدنش و نگرانداختنش بی‌گمان پروردگار من آمرزنده مهربان است. و آن [کشتی] ایشان را در میان موجی کوه آسا می‌برد و نوح علیه السلام پسرش را که در کناری بود بانگ درداد ای پسرک من با ما سوار شو و با کافران مباش. گفت به زودی به کوهی پناه می‌جویم که مرا از آب در امان نگاه می‌دارد گفت امروز در برابر فرمان خدا هیچ نگاهدارنده‌ای نیست مگر کسی که [خدا بر او] رحم کند و موج میان آن دو حایل شد و [پسر] از غرق شدگان گردید. و گفته شد ای زمین آب خود را فرو بر و ای آسمان [از باران] خودداری کن و آب فرو کاست و فرمان گزارده شده و [کشتی] بر جودی قرار گرفت و گفته شد مرگ بر قوم ستمکار. و نوح علیه السلام پروردگار خود را آواز داد و گفت پروردگارا پسر من از کسان من است و قطعاً عده تو راست است و تو بهترین داورانی.»

با رویکرد اجمالی می‌توان گمانه‌های مفسرانه در نسبت به این آیات در درازنای تاریخ اسلام چنین گزارش داده است. تفاسیر کهن به‌سان تبیان (طوسی، بی تا: ۴۸۹/۵-۴۹۴)؛ مجمع البیان (طبرسی، ۱۳۷۲: ۶۱/۱۲-۶۸)؛ جامع البیان (طبری، ۱۴۱۲: ۲۸/۱۲-۳۱) و مفاتیح الغیب (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۳۵۰/۱۷-۳۵۷) و انوار التنزیل (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۳/۱۳۵-۱۳۷) با رهیافت تفسیر ترتیبی به این آیات پرداخته، اما متعرض پریشان‌مانی زمانی آن نشده‌اند، ولی گمانه‌های مفسرانه پسا کهنی، گویا این آشفتگی در روایتگری را درک کردند و تلاش نمودند رویدادهای آن را در زمانه تفسیر کنند. در این میان ابن عاشور (ابن عاشور، بی تا: ۲۶۹/۱۱) بدون توجه به گفتگوی قهرمان داستان با فرزندش در آن شرایط، فقط به دعای نوح علیه السلام در باره فرزندش توجه می‌نماید و آن را بعد از پایان طوفان و ناامیدی‌اش از رهائش وی از عذاب آن تلقی می‌کند و از خداوند می‌خواهد که وی را از

عذاب اخروی رهایی دهد. در این گذار برخی مفسران، روایتگری قرآن کریم را بیرون از تخته بند زمان دانسته و بیان داشته‌اند: «هم سخنی با خداوند متعال زمانی و مکانی و جسمانی نیست؛ زیرا خداوند منزّه از این قیود است.» (مصطفوی، ۱۳۸۰: ۲۰۷/۱۱)

برخی دیگر از قرآن پژوهان، گفتاری بودن وحی را عامل بی انسجامی در توالی زمانی می‌انگارند و معتقد هستند از ویژگی‌های ساختاری نانوشتاری و شفاهی، گسست زمانی در روایتگری است و حال آن که از نشانه‌های ساختار نوشتاری متن، رعایت انسجام کامل از آغاز تا پایان روایت می‌باشد. (معرفت، ۱۳۸۸: ۵۰-۵۷) در گمانه‌های دیگر، برخی از مفسران تلاش کردند با گسست چنین آیات، توالی زمانی رویدادهای روایت را توجیه نمایند. در این انگاره، اصالت به توالی زمانی داده و تلاش شده است با تقدیم و تأخر آیات، این پریشان مانی را توجیه نماید. علامه طباطبایی، با پذیرش این آشفتگی زمانی، بیان می‌دارد که قرآن کریم در آغاز، اصل داستان را به طور کامل در یک آیه آورده و در پی آن با گزاره‌های دیگر به جزئیات رویداد هم اشاره کرده است. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۴۹/۱۰) بنابر گفته علامه، همسخنی نوح علیه السلام و فرزندش در آیات ۴۲ و ۴۳ سوره هود را باید پس از آیه ۴۴ که همبسته با پایان طوفان است، قرار داد. در پنداره دیگر هم سخنی نوح علیه السلام با فرزندش را در زمانی در نظر گرفت که فرزند تصور نموده که با باران شدید مواجه خواهد شد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۹/۱۰۰) به نظر می‌رسد این گمانه با عبارت «وَهِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ» ناسازگار باشد؛ زیرا این گزاره نمایشگر گفتگوی قهرمان روایت با فرزندش در هنگامه موج‌های سهمگین است که کشتی در آن شناور بوده است. برخی رایزنی‌های مفسران این گفتگو را به قبل از سوار شدن کشتی بیان داشته (آلوسی، ۱۴۱۵: ۶/۲۵۶؛ اندلسی، ۱۴۲۰: ۶/۱۵۷) و دعای نوح علیه السلام را قبل از غرق شدنش دانسته (اندلسی، ۱۴۲۰: ۶/۲۵۶؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۲/۴۰۰؛ لاهیجی، ۱۳۷۳: ۲/۴۴۵) ولی دلیلی برای آن بیان نکرده‌اند.

۴. روایت^۱

تبار واژه «narration»، «narrara» در لاتین به «gnarus» یونانی می‌رسد. «gnarus» به معنای دانش و شناخت است که خود ریشه در تبار هند و اروپایی «gna» دارد. واژه کهن انگلیسی «geenawwan» نیز ریشه در همان واژه هند و اروپایی دارد که به معنای یافتن دانش و گفتن است. (Abbot, 2002: 10) ارسطو در نظریه ادبی^۲ (بوطیقا) داستان استوار بر تقلید را «تحقیق دانش» خواند (احمدی، ۱۳۷۰: ۱۷۶) و همسو با نظریه ساختارگرا به شکل یا ساختار متن^۳ پرداخت که در سنت فارسی این کلمه در معنای حدیث، خبر و نقل کردن سخن به کار رفت و در اصطلاح ادبی به متنی که داستان را بیان می‌کند، روایت گفته شد. (انوشه، ۱۳۷۶: ۶۹۵) انگاره نوین ساختاری به روایت، از نشانه‌شناسی دوسوسور آغاز شد و کوشید تا ساختار و مناسبات درونی نشانه‌ها را در متن (زبان شناسی) بازیابی و با تحلیل سخن (فرازبان شناسی / فرامتنی باختین) براساس دستور

زبان، برای ساختار متن نیز به سان دستور زبان، قواعدی در نظر بگیرد. (شمیسا، ۱۳۸۱: ۳۶۵؛ پرینس، ۱۳۹۴: ۳) در ادامه رهیافت روایت شناسی ساختارگرایی به داستان، از پراب^۱ آغاز گردید. کتاب ریخت شناسی قصه‌های پریان وی بر پژوهش‌های اساطیری (لوی استراوس^۲ و گریماس^۳)، بررسی ساختار روایت (گریماس و برمون^۴) و نظریه ادبی (بارت^۵ و تودوروف^۶) تأثیر گذاشت.

به هر روی در پنداره زبان شناسی روایت با لحاظ سه مؤلفه؛ فرستنده، متن و گیرنده، گفتاری است که از مجموعه قواعد زبانی ساخته می‌شود و نظریه یا دستور زبان روایت به بررسی نظامند ساختار اجزای روایت‌ها می‌پردازد. (Rimmon – Kenan, 2002: 1) روایت توالی ادراک شده وقایع یا بازگویی داستان در یک زمان توسط راوی^۷ با نظام نشانه شناسی ویژه که روایت شنوها به عنوان تجربه گر از آن درس می‌گیرد. (تولان، ۱۳۸۳: ۱۹)؛ بنابراین روایت، داستانی بر ساخته زبانی است که با نظم گاهشمارانه یا تقویمی با همراهی پیوند علی یا معلولی، یا ترکیبی، توالی رویدادهای داستان را پدید می‌آورند. (پراب، ۱۳۶۸: ۳۴؛ حری، ۱۳۸۸: ۱۲۶)

۴-۱. الگوی روایت شناختی

ادبیات داستانی یا روایی، الگوی روایت برکنش روایت استوار است و در قالب نظام نشانه شناسی، قابل سنجه می‌باشد. (علوی مقدم و پور شهرام، ۱۳۸۷: ۱۰۹) بر این اساس در ادبیات روایی، اجزای روایت از نوعی توالی زمانی دولایه بهره دارد: نخست، داستان / طرح اولیه / ماده خام / فابولا^۷ و سویه دیگر آن متن / طرح نهایی / پیرنگ / سوژه / گفتمان^۸ است. بر اساس این تقسیم بندی، داستان رشته ای از رخدادها در توالی زمانی / گاه شمارانه یا تقویمی می‌باشد که پیاپی و منسجم می‌آیند و متن، چگونگی نقل این رویداد در قالبی روایت شناسانه و سامان مند است. (مارتین والاس، ۱۳۸۲: ۵۸) روایت در این دو سطح نمایانگر دو رهیافت متفاوت است. رهیافتی که به شخصیت، زمان، مکان و رویدادها می‌پردازد و صدق و کذب آن‌ها را از جهت تعیین خارجی بررسی می‌کند و رویکردی که رخدادها را بر اساس چشم انداز باوری روایتگر مورد توجه قرار می‌دهد و عناصر روایت شناختی را به سان توالی زمان، مکان و شخصیت‌ها همبسته با زاویه دید راوی سامان می‌بخشد. (حری، ۱۳۸۷: ۹۶-۹۸؛ اخوت، ۱۳۷۱: ۴۱)

1. Vladimir Propp
1. Levi Strauss
3. Griemass
4. Claude Bremond
5. Roland Barthes
6. Tezvetan Todorov
7. Dibula, Story
8. Discourse, Syuzhet/ Syuahet

این دو نظام روایتگری با دو شیوه روشمند قابل بررسی می‌باشند. سطح نخست، روایت با دارا بودن جنبه انضمامی و عینی، با ابزار شناختی حسی و تجربی قابل سنجه می‌باشد و اجزای داستانی آن (قهرمان داستان، موانع، شیء ارزشی و جز آن‌ها) بازنمونی از واقعیت رویداد می‌باشند. هرچند روایت در این سطح، امکان انتزاعی بودن داستان هم وجود دارد که حاجت به شیوه شناختی متفاوت و اجزای داستان نیز همبسته با آن است. سطح دوم روایت، حوزه متنی آن است که نوعی بازخوانی داستان براساس زاویه دید راوی در پیوستار با عناصر روایت شناختی در پی بیان ایدئولوژی یا سبک خاص در حوزه‌های متفاوت باوری، اخلاقی، روان شناختی، فلسفی و دینی می‌باشد. روایتگری در این سطح به دنبال سازواری زمانی رویدادها با امور عینی به صورت گاهشمارانه و خطی نیست؛ بلکه با توانمندی در روایتگری از انعطاف پذیری در نقل داستان با قابلیت فشرده‌گی یا گسترانندگی و یا از شاخصه‌های عقب یا جلو بردن رویدادها در روایتگری برخوردار است. در این سامانه نظم رخدادها و مدت زمانی که رخدادهای داستان از آن خود می‌کنند، در نسبت به زمان و نظم رخدادهای گفتمان روایی کاملاً متمایز است. راوی می‌تواند توالی منطقی کارکرده و پیرفت‌ها^۴ را به هم بریزد و آن‌ها را با نظمی دیگر بیان کند. بنابراین سامانه روایت در سطح گفتمان حالت سیال دارد و عنصر زمان در برهه‌های روایی با سرعت متفاوت و یا دارای بسامد و چند بارگی یا تقدیم و تأخیر می‌گردد. (Genette, 1980: 35) در ادامه، روایت در سطح متنی یا گفتمانی افزون به گفته‌های پیشین در پی چگونگی بر ساخته شدن شخصیت‌ها در تناسب با کنش و رویدادهای داستانی براساس روایت‌شناسی ساختارگرا است.

برپایه روایت‌شناسی ژنت، زمان در ریختار دستوری^۱، صدا^۲ و وجه / حالت^۳ دسته بندی می‌شود. (حری، ۱۳۸۸: ۱۲۸) زمان دستوری به کاربرد وجه زمان در سطح داستان و متن در انواع، نظم، تداوم / دیرش^۵ و بسامد^۶ نمایشگری می‌شود. در آموزه ژنت صدا همان روای و روایتگر و وجه، حالت بازنمایی کنش‌ها در داستان می‌باشد. (ریمون کنان، ۱۳۸۷: ۶۴) در این انگاره، صدای راوی و زاویه دید دانای مطلق تعیین کننده میزان دقیق مؤلفه‌های طرح است و خوانشگر از منظر وی به روایت می‌نگردد. الگوی روایت شناختی با زاویه دید دانای مطلق، شخصیت‌ها و کنش‌ها را از بیرون داستان رهبری می‌نماید و کنش‌ها و رویدادها را به خوانشگران گزارش می‌دهد و موقعیت‌ها و چگونگی زمان و مکان را تصویر می‌کند. طرح در الگوی روایی ژنت در ساختار وجه قابل خوانش است که در پی تبیین موقعیت‌های آغازین و پایانی روایت و پیوند مؤلفه‌های ساختاری آن می‌باشد. افزون بر آن پیوند

1. Tense
2. Voice
3. Mode
4. Order
5. Duration
6. Frequency

زمان روایت با رویداد در سطح داستان / فابولا و سطح متن اتفاق می‌افتد که در این سوپه همگرایی یا ناهمگرایی زمان در زمان داستان بازنمایی می‌شود. به باور ژنت، مؤلفه نظم به پیوند توالی رویدادهای داستان، در سطح متن می‌پردازد. تداوم یا دیرش به روابط میان مدت زمان وقوع رویداد داستان و حجم متن صرف می‌شود و در روایت رویداد را بررسی می‌نماید و بسامد، به تعداد تکرار رویداد داستانی در روایت متن اشاره می‌کند. (ریمون کنان، ۱۳۸۷: ۶۵) در این پندار همگرایی زمان داستان و زمان روایت به عنوان مؤلفه روایت شناسی نظم را برقرار می‌سازد، ناهمگرایی بین دو زمان، زمان پریشی^۱ و اختلاف زمانی را ایجاد می‌کند. (حری، ۱۳۸۸: ۱۳۰)

۴-۲. مؤلفه مکان

هر روایت، در جایی رخ می‌دهد که به گونه‌های مکان داستان (جاهای واقعی رویداد) و مکان گفتمان (رخدادها و کنش‌های سطح داستان) دسته بندی می‌شود. (آسابرگر، ۱۳۸۸: ۸۱) کاربست واژه "ارض" در آیات «وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْنِي عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا» (نوح/۲۶)، «و نوح ﷺ گفت پروردگارا هیچ کس از کافران را بر روی زمین مگذار.»، «وَفَجَّرْنَا الْأَرْضَ عُيُونًا فَالْتَقَى الْمَاءُ عَلَى أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ» (قمر/۱۲)، «و از زمین چشمه ها جوشانیدیم تا آب [زمین و آسمان] برای امری که مقدر شده بود به هم پیوستند.» و آیه «وَقِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكِ وَيَا سَمَاءُ أَقْبَلِي وَغِيضَ الْمَاءِ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَاسْتَوَتْ عَلَى الْجُودَى وَقِيلَ بُعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ» (هود/۴۴)، «و گفته شد ای زمین آب خود را فرو بر و ای آسمان [از باران] خودداری کن و آب فرو کاست و فرمان گزارده شده و [کشتی] بر جودی قرار گرفت و گفته شد مرگ بر قوم ستمکار» با قاعده معناساختی هم زمانی در حوزه باهم آبی واژگانی "لاتذر"، "فجرنا"، "ابلعی"، "من الکافرین" و "عیونا" نمایشگر ابهام آمیز بودن مکان رویداد طوفان از جهت کجایی و فراگیری آن است. بنابراین عنصر مکان به‌سان مؤلفه زمان در حوزه سطح گفتمان انعطاف پذیر می‌باشد و در راستای زاویه دید روایتگری دانای مطلق خوانش می‌شود.

از دیدگاه روایت شناختی، مؤلفه مکان از حیث کارکردی در پیوند با سایر عناصر روایت، در جهت پیشبرد کنش داستان و شخصیت پردازی است. صحنه پردازی متن به خوانشگر این امکان را می‌دهد که در همکنش با متن و کنشگرهای آن باشد. در این چشم انداز، عذاب فراگیر و شدید طوفان، از جهت حجم و شکل، ابتلای اهل زمین به آن رویداد، در برگرفتن نافرمانان، با کمیت‌های دیگر، (کلامی و اشیایی به‌سان آب و موج) و مقایسه سایر اشیا از جهت گنجایش و اندازه، به خوانشگر این امکان را می‌دهد در حین تجسم فضای متن در ذهن، کمیت برخی اشیا را بداند و تصویری روشن از آن‌ها داشته باشد و در حین خوانشگری، سایر اشیا را با آن کمیت‌ها مقایسه کند. نکته قابل تأمل این است، خوانشگر از دیدگاه روایتگر به مکان متن می‌نگرد که در همه جا حضور دارد و فرمانش غالب، فراگیر،

گسترده و چیره است. نوح علیه السلام به عنوان قهرمان روایت، شخصیت الهی روایت می‌باشد و داستان در پیرامون شخصیت او می‌گردد و خوانشگران را با خود همراه می‌کند. وی در طوفان قرار می‌گیرد، نیایش‌ها و رفتار ایمانی پیشین وی و کسانش باعث رهیذگی از عذاب می‌گردد. البته در خوانش فراگیر در روایت شناسی در سطح گفتمان، باز خوانش این مبانی^۶ است که شرافرینی بشر برای مؤمنان با بیان کنایی بدل به خیر می‌شود.

۵. روایت طوفان در ترازوی روایت شناختی

روایت گفتگوی قهرمان طوفان و فرزندش در قرآن کریم در دو سطح پردازش شد. در سطح داستان که نیاز به روش شناسی و معرفت شناسی رایج در دانش‌های عینی و انضمامی (بنا بر ماهیت و فلسفه وجودی آن در زمره روایت تاریخی و واقعی) است که در پیوند با اطلاعات و دانش دیرینه شناسی می‌باشد و مؤلفه گاه شمارانه آن انضمامی در پیوستار با عینیت یافتگی رویداد است.

روایتگری قرآن از داستان نوح علیه السلام در سطح نخست، از کنش‌ها در ساحت‌های رفتاری و گفتاری در بستر زمانی که از آن به رویداد تعبیر می‌شود با گزاره‌های توصیفی با چینش منظم و سازوار با واقعیت حکایتگری‌اش شد و ترتیب این کنش‌ها در توالی زمانی همبسته با رویداد است. سوره هود آیات ۲۵ تا ۴۹ مرتبط با ماجرای نوح علیه السلام و کنشگری قوم وسایر رویدادهای در پیوستار آن است. در این میان آیات ۴۰ تا ۴۸ به روایتگری ماجرای طوفان و کنش‌ها در پیوند با آن اشاره دارد. آیات ۲۵ تا ۳۹ این سوره به توصیف شأن نوح علیه السلام، رسالت و موقعیت هدایتگری در برابر همعصرانش و چگونگی رویارویی با آموزه‌ها و اندازگری‌اش می‌پردازد، و در پی آن آماده سازی کشتی نجات و وعده عذاب طوفان و تمسخر وی توسط منکران، تالی سیرگاهشمارانه در روایتگری آن رعایت شده است. در این سطح از روایتگری، پیوند زمان رویداد در داستان وجود دارد. در ادامه نحوه پردازش آیات دچار دگرگونش می‌شود و روایتگری قرآن در سطح گفتمان تشخیص می‌یابد. روایتگری در این سطح، به روایت شناسی در حوزه‌های فهمی هرمنوتیک و ساختار و آرایه ای ویژه آن هم پیوند است که داستان را از جهت زمانی در ریختار دستوری قرار می‌گیرد و به کار بست زمان واقعی روایت در سطح متن در سه حوزه نظم، دیرش و بسامد می‌پردازد. روایتگری طوفان در این سطح به صدای راوی و زاویه دید او در روایتگری و چگونگی باز نمایی صحنه و کنش‌ها توجه ویژه دارد. بر این اساس آغازگر طوفان در آیه ۴۰ با گزاره «حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ»، «تا آن‌گاه که فرمان ما در رسید و تنور فوران کرد» است. خداوند تحقق وعده الهی را با واژه «امر» بازنمایی می‌نماید و شروع طوفان را با «فار التنور» صحنه پردازی می‌کند. و با آغاز طوفان خداوند به قهرمان طوفان دستور می‌دهد که اهل ایمان بر کشتی سوار شوند و شروع حرکت کشتی با «اسم الله» می‌باشد و کشتی آنان را در میان امواج سهمگین می‌برد و موج طوفان به بلندای کوه هویدا می‌شود و کشتی را در چنبره خود می‌گیرد سپس همسخنی با فرزندش تصویرگری می‌شود. «وَهِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ وَنَادَىٰ نُوْحٌ ابْنَهُ» (هود/۴۲) در این اوضاع و احوال، قهرمان طوفان در کنشگری گفتاری، فرزندش را به کناره ای فرا می‌خواند و شروع به هدایتگری و درخواست

رهایش دارد. توالی خطی زمانی در سطح داستان به طور منظم در این سطح دیده نمی‌شود، بلکه خداوند به عنوان راوی دانای مطلق با صحنه پردازی سهمگین و تصویر پردازی در قالب تشبیه (وَهْمَى تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ) عذاب طوفان را با شیوه ویژه روایتگری می‌نماید و همه تار و پود اوضاع و احوال آن را با ابزار زبانی باز آفرینی می‌کند و با عینیت یافتگی رویداد، فهم همدلانه روانشناختی با روایت شنوها برقرار می‌سازد. حتی این امکان را برای خوانندگان فراهم می‌کند تا با تحلیل روایت شناسی و زبان شناسی، انگاره‌های روایتگر را در خداشناسی، انسان شناسی و هستی شناسی از طریق روایت جستجو نمایند. افزون بر پیوند روانشناختی و فرهنگی خوانندگان با بافتار و زمینه متن به واسطه متن روایی، مؤلفه گفتگو از عناصر مهم روایت شناختی در این آیه بازتاب داده شده همان گونه که درون مایه و اندیشه حاکم بر داستان به نمایش درآمد. و خوانندگان شاهد این همسخنی به صورت مکالمه بیرونی سامان یافته می‌باشند. (پروینی، ۱۳۷۹: ۱۷۴) در مجموع با شخصیت پردازی زنده و پویا رویدادها تغییر می‌یابند و در پی آن با کاربست صنعت التفات^۷ گزاره‌ها متحول می‌شوند. از ویژگی کلامی روایت طوفان در این آیات، بهره بردن از صنعت التفات می‌باشد. در این روایت، راوی در روایتگری خود درباره طوفان با شگردی خاص به موضوع هم سخنی چرخش می‌یابد و با آرامی کلام خود را متوجه موضوع دیگر می‌کند تا به بازنمایی گفتار و اندیشه شخصیت‌های طوفان در قالب همسخنی پرداخته شود. البته این مکالمه به صورت فشرده در قالب چند گزاره کوتاه «وَنَادَى نُوحٌ ابْنَهُ وَكَانَ فِي مَعْزِلٍ يَا بُنَيَّ ارْكَبْ مَعَنَا وَلَا تَكُنْ مَعَ الْكَافِرِينَ» صورتبندی شد. بنابراین گفتار، در این صحنه پردازی انعطاف پذیری زمان از جهت تقدیم و تأخر زمانی در اختیار راوی می‌باشد تا کنشگری قهرمان داستان در هدایتگری را حتی در شرایط سهمگین برای خوانندگان ترسیم نماید و در مقابل هدایت ناپذیری غیر مؤمنان را نیز در آن اوضاع و احوال دشوار به نمایش می‌گذارد. این کنش با روایت در سطح گفتمان همخوانی دارد که در پی معناداری^۸ و مبانی روایتگر است. در این راستا روایت طوفان و توالی داستان سازگار با اراده راوی است که در پی کانونی‌گری و گستره چشم انداز باوری می‌باشد. در این انگاره، ناهمخوانی یا ناسازگاری مؤلفه زمان بی وجه می‌شود.

۵-۱. مؤلفه‌های پیرنگ در داستان طوفان نوح علیه السلام

درفرآیند روایت شناسی طوفان، افزون بر زاویه دید راوی، طرح^۱ یا خط سیر داستان اهمیت دارد که در پی پیوند اندام وارگی عناصر و رابطه علی رویدادهای طوفان است. روایت در این سطح گفتمان به مؤلفه‌های پیرنگ (مقدمه، گره افکنی، کشمکش، بحران، گشایش و شخصیت‌ها) و گذر از یک مرحله تعادل به مرحله دیگر موقعیت‌ها که توالی رویدادها را پدید می‌آورند، می‌پردازد. (اخوت، ۱۳۷۱: ۲۳)

۱-۱-۵. مقدمه^۱

پیرنگ یا طراحی داستان دارای نقطه آغازینی با عنوان مقدمه است که خوانشگران را از عالم واقع و بیرونی به عالم درون داستان و سطح متن می‌کشاند. (بی‌نیاز، ۱۳۸۸: ۲۳) روایت طوفان در این چند آیه سوره هود، با روایتگری دانای مطلق، گزاره‌های توصیفی رویدادها را به گونه‌ای تصویرگری کرده که به آرامی خوانشگران را به سوی کنش‌ها و فضا سازی‌های داستان پیش می‌برد. «حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ قُلْنَا احْمِلْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ وَمَنْ آمَنَ وَمَا آمَنَ إِلَّا قَلِيلٌ. وَقَالَ اذْكُوا فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ مَجْرَاهَا وَمُرْسَاهَا إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ» (هود/۴۰-۴۱)، «تا آن‌گاه که فرمان ما در رسید و تنور فوران کرد فرمودیم در آن [کشتی] از هر حیوانی یک جفت با کسانت مگر کسی که قبلاً در باره او سخن رفته است و کسانی که ایمان آورده اند حمل کن و با او جز [عده] اندکی ایمان نیاورده بودند. و [نوح] گفت در آن سوار شوید به نام خداست روان‌شدنش و نگرانداختنش بی‌گمان پروردگار من آمرزنده مهربان است.» داستان طوفان در درون روایت جامعی قرار دارد که موقعیت نامتعادل به وجود آمده را روایتگری می‌کند. این روایت با دستور خداوند به صحنه پردازی عذاب طوفان با فوران آب در تنور آغاز گشته و در ادامه به فضای سخت و نامتعادل با عبارات تشبیهی امواج کوه پیکر پرداخته شده است. بنابراین مقدمه در این بخش از روایتگری قرآن، جزئی از یک کل با موضوع و سخن کلی (نافرمانی از آموزه‌های الهی) ناشی از پیامد کنش‌های منفی در بستر زمان است. (بی‌نیاز، ۱۳۸۸: ۵۰)

۱-۲-۵. گره افکنی / درهم پیچیدگی

وضعیت و موقعیت دشوار در داستان را «گره افکنی»^۲ گویند که طی آن دگرگونی و تغییر ناگهانی در روند وقوع رویداد پیش می‌آید و به طور کلی خط اصلی پیرنگ را دگرگون می‌کند. (میرصادقی، ۱۳۸۶: ۲۹۵؛ ولک، ۱۳۷۷: ۴۶۶) گره افکنی شامل ویژگی شخصیت‌ها، جزئیات و موقعیت‌هایی است که سیر داستان را دگرگون می‌سازد و بر اثر تقابل همه جانبه نیروهای متضاد درونی و بیرونی به بی‌نظمی و آشفتگی می‌رسد. (بی‌نیاز، ۱۳۸۸: ۲۵) بنابر آیات پیشا آیه‌های ۴۵-۴۰ سوره هود، گره افکنی با تقابل دوگانه اندیشه‌ای ایمان و کفر (هود/۲۳-۲۴) در برابر رسالت الهی قهرمان روایت آغاز می‌گردد «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ» (هود/۲۵)، «و به راستی نوح علیه السلام را به سوی قومش فرستادیم [گفت] من برای شما هشداردهنده‌ای آشکارم» و با ریختار رفتاری با گونه‌های پذیرش و انکار، فرمان‌پذیری از آموزه‌های هدایت‌گرایان و نافرمانی، سلوک ستمگرانه، ریشخندانه و دروغگو انگاری «فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا تَرَاكَ إِلَّا بَشْرًا مِثْلًا وَمَا تَرَاكَ إِلَّا الَّذِينَ هُمْ أَرَادُوا بُادِي الرَّأْيِ وَمَا تَرَىٰ لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ بَلْ تَنْظُرُونَ كَادِبِينَ» (هود/۲۷)، «پس سران قومش که کافر بودند گفتند ما تو را جز بشری مثل خود نمی‌بینیم و جز [جماعتی از] فرومایگان ما آن هم نسنجیده نمی‌بینیم کسی تو را پیروی کرده

1. Introduction

2. Complication/ Rising action/ Knotting

باشد و شما را بر ما امتیازی نیست بلکه شما را دروغگو می دانیم»، حجت خواهی «قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُمْ عَلَيَّ بَيِّنَةً مِنْ رَبِّ» (هود/همان)، «گفت ای قوم من به من بگویند اگر از طرف پروردگارم حجتی روشن داشته باشم» و سایر کنش‌ها در روایت، شخصیت‌هایی را در دو سنخ مؤمنان و کافران رو به روی هم قرار می‌دهد که فرآورده چنین همکنشی جایگاه و ایستار روایت را دگرگون می‌سازد.

۵-۱-۳. کشمکش^۹

ساحت‌های اندیشه ای و رفتاری کنشگران در روایت طوفان که بر اثر گره افکنی نیروهای ناهمسان ایجاد شد به صورت فراگیر در تمامی جنبه‌های جسمانی، ذهنی، عاطفی و اخلاقی^{۱۰} نمایان گشت. قهرمان داستان همواره در طی هدایتگری‌اش از سوی مخالفان مورد آزار و اذیت جسمانی قرار می‌گیرد، و با پدیدار شدن مؤلفه‌های دوگانه حق و باطل، ایمان و کفر در شخصیت‌های داستان به صورت مؤمنان و کافران، کارزار ذهنی پیوستاری را به وجود آورد. پیوند عاطفی نوح عليه السلام با فرزندش که به تلاش قهرمان روایت برای رهایی وی از راه هم سخنی و دعا کردن در آیات ۴۲ و ۴۵ سوره هود بازتاب یافته «وَنَادَى نُوحٌ ابْنَهُ وَكَانَ فِي مَعْزِلٍ يَا بُنَيَّ اِذْكَبْ مَعَنَا وَلَا تَكُنْ مَعَ الْكَافِرِينَ» (هود/۴۲)، «... و نوح عليه السلام پسرش را که در کناری بود بانگ درداد ای پسرک من با ما سوار شو و با کافران مباش.» «وَنَادَى نُوحٌ رَبَّهُ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي وَإِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَأَنْتَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ.» (هود/۴۵)، «و نوح عليه السلام پروردگار خود را آواز داد و گفت پروردگارا پسر من از کسان من است و قطعاً وعده تو راست است و تو بهترین داورانی.» بازنمونی از کشمکش عاطفی است. در این خوانش می‌توان پیریشان مانی زمان با گستره زمان از جانب روایتگر دانای مطلق برای توصیف کشمکش عاطفی میان پدر و فرزند گمانه زنی کرد. در این الگو نزاع اخلاقی میان قهرمان روایت و فرزندش را که به عصیانگری و روی برتافتن فرزند از پدر انجامید، می‌توان با قرینه آیه «وَيَصْنَعُ الْفُلْكَ وَكَلَّمَا مَرَّ عَلَيْهِ مَلَأَ مِنْ قَوْمِهِ سَخِرُوا مِنْهُ قَالَ إِنْ تَسْخَرُوا مِنِّي فَإِنَّا نَسْخَرُ مِنْكُمْ كَمَا تَسْخَرُونَ» (هود/۳۸)، «و [نوح] کشتی را می‌ساخت و هر بار که اشرافی از قومش بر او می‌گذشتند او را مسخره می‌کردند می‌گفت اگر ما را مسخره می‌کنید ما [نیز] شما را همان گونه که مسخره می‌کنید مسخره خواهیم کرد.» که با تمسخر سران قوم نسبت به رفتار قهرمان طوفان در ساختن کشتی را همراه است در آیه ۴۳ سوره هود «قَالَ سَآوِي إِلَىٰ جَبَلٍ يَعْصِمُنِي مِنَ الْمَاءِ...»، «گفت: به زودی به کوهی پناه می‌جویم که مرا از آب در امان نگاه می‌دارد...» بازخوانی نمود که رویارویی فرزند در برابر درخواست یاری رسانی پدر با ریشخند همبسته بود. کشمکش‌های روایت طوفان در نظام گفتمانی خداشناسی، هستی‌شناسی و انسان‌شناسی صورت پذیرفت که با کنشگری مخالف آن نظام (فرزندش) با زاویه دید راوی به همراه انعطاف در روایتگری، زمینه تقدم و تأخر روایت را فراهم کرد. بنابراین روایت طوفان همسخنی نوح عليه السلام با فرزندش با گونه‌ی روایی داستان مطابقت ندارد، بلکه از شیوه‌ی روایتگری در سطح متن یا گفتمان پیروی می‌کند و کنشگری‌ها در پیوستار زمان بر عهده راوی است که در مرکز جهت دهی قرار دارد.

۵-۱-۴. بحران^۱

لحظه‌ای که نیروها و کنشگران متقابل برای آخرین بار باهم برخورد می‌کنند و تنش به بالاترین حد می‌رسد و عمل داستانی را به نقطهٔ اوج^۲ نزدیک می‌سازد و با ایجاد چرخشی اساسی در سیر داستان موجب دگرگونی شخصیت اصلی یا دیگر شخصیت‌ها می‌شود. (رضایی، ۱۳۸۲: ۶۸) داستان طوفان فرآورده از تنش کنشگران و رفتار دوگانه شخصیت‌ها می‌باشد که جایگاه روایت را دچار دگرگونی نموده است. رفتار متمکارانه و تمسخرانه ناهمسویان با رسالت قهرمان روایت و کنش لجوجانه در انکار آموزه‌های وحیانی بستر عذاب را با طوفان سهمگین فراهم آورد. همکنشی دوگروه همسو و ناهمسو در آیات ۲۶-۴۰ سوره هود که با گفتگو و استدلال نوح علیه السلام به عنوان کارگزار الهی صورتبندی می‌شود. آیات «وَأَوْحَىٰ إِلَىٰ نُوحٍ أَنَّهُ لَنْ يُؤْمِنَ مِنْ قَوْمِكَ إِلَّا مَنْ قَدْ آمَنَ فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَآ كَانُوا يَفْعَلُونَ» (هود/۳۶)، «و به نوح علیه السلام وحی شد که از قوم تو جز کسانی که [ناکون] ایمان آورده اند هرگز [کسی] ایمان نخواهد آورد پس از آن چه می‌کردند غمگین مباش.» و آیه «وَاصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحْيِنَا وَلَا تُخَاطِبْنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُّغْرَقُونَ» (هود/۳۷)، «و زیر نظر ما و [به] وحی ما کشتی را بساز و در بارهٔ کسانی که ستم کرده اند با من سخن مگوی چرا که آنان غرق شدنی اند.» نمایی از تنش کنشگران روایت که با درخواست تحقق عذاب الهی در آیهٔ ۳۹ «فَسَوْفَ نَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُّقِيمٌ»، «به زودی خواهید دانست چه کسی را عذابی خوارکننده درمی‌رسد و بر او عذابی پایدار فرود می‌آید» عمل داستان به بحران نزدیک می‌شود. اوج نقطهٔ بحران با تحقق عذاب طوفان و در همسختی قهرمان روایت با فرزندش بازنمون می‌گردد. آیات ۴۲-۴۳ سوره هود «وَهِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ وَنَادَىٰ نُوحٌ ابْنَهُ وَكَانَ فِي مَعْزِلٍ يَا بُنَيَّ ارْكَبْ مَعَنَا وَلَا تَكُنْ مَعَ الْكَافِرِينَ قَالَ سَأُوَىٰ إِلَىٰ جِبَلٍ يَعْصِمُنِي مِنَ الْمَاءِ قَالَ لَا عَاصِمَ الْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا مَنْ رَجِمَ وَحَالَ بَيْنَهُمَا الْمَوْجُ فَكَانَ مِنَ الْمُغْرَقِينَ» بازگو کنندهٔ اوج تنش میان کنشگران ناهمسان که گسترهٔ آن از درهم پیچیدگی روایت آغاز گشت و در پیوستار داستان به این نقطه ادامه یافت. خویشکاری قهرمان روایت در هدایتگری افراد انسانی در شرایط گوناگون ادامه می‌یابد و راوی دانای مطلق گسترهٔ این هدایتگری را در شرایط دشوار در میان موج کوه آسا بیان می‌دارد. براین اساس روایتگر داستان با شگردی خاص به موضوع همسخنی در آن شرایط دشوار می‌پردازد و کلام خود را متوجه موضوع هدایتگری می‌کند و واکنش ناخوشایند ناهمسویان را در نسبت خویشکاری شخصیت اصلی طوفان بازنمایی می‌کند. بنابراین گفتار، در این چینش تساهل زمان از جهت تقدیم و تأخر در اختیار راوی است تا کنشگری قهرمان داستان در هدایتگری، حتی در شرایط سهمگین برای خوانندگان ترسیم نماید و در برابر هدایت ناپذیری غیر مؤمنان را نیز در آن اوضاع و احوال دشوار به نمایش گذارد.

1. Crisis/ Turning point/ Key moment
2. Climax

۵-۱-۵. گشایش/گره گشایی^۱

پیامد و نتیجه نهایی رشته رویدادها با مؤلفه گشایش است. (میر صادقی، ۱۳۹۱: ۲۹۷؛ مستور، ۱۳۸۷: ۲۴). «وَقِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكَ وَيَا سَمَاءُ أَقْلِعِي وَغِيضَ الْمَاءِ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَاسْتَوَتْ عَلَى الْجُودِيِّ وَقِيلَ بُعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ» (هود/۴۴) در این چینش با خواست خداوند طوفان فروکش کرد و رهیدگان عذاب با کشتی به ساحل نجات رسیدند و ستمکاران از پای در آمدند. در این واگویی از پیامد نهایی داستان، انتظار این است که وضعیت روایت به حالت تعادل برگردد و کنش‌ها براساس موقعیت جدید سامان یابد؛ اما روایتگر طوفان بعد از گره گشایی و پایان طوفان دوباره به صحنه طوفان بازمی‌گردد و به نیایش قهرمان داستان می‌پردازد که از خداوند می‌خواهد فرزندش را به‌سان سایر رهیدگان طوفان، از عذاب نجات دهد. «وَنَادَى نُوحٌ رَبَّهُ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي وَإِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَأَنْتَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ». به نظر می‌رسد در این روایت آوای راوی بازنمای کنش در داستان باشد که از بیرون داستان را رهبری می‌کند و رویدادها را به خوانشگران گزارش می‌دهد. روایتگر داستان با کاربست صنعت التفات در یک چرخش موضوع سخن را از پایان یافتگی طوفان متوجه موضوع روانشناختی و پیوند عاطفی میان قهرمان طوفان و فرزندش می‌کند و به بازنمایی صحنه در قالب نیایش و همسخنی با خدا می‌پردازد. خداوند در پاسخ به درخواست عاطفی نوح عليه السلام با گزاره فشرده: «قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَلَا تَسْأَلْنِ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنِّي أَعِظُكَ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ» (هود/۴۶)، «فرمود ای نوح عليه السلام او در حقیقت از کسان تو نیست او [دارای] کرداری ناشایسته است پس چیزی را که به آن علم نداری از من نخواه من به تو اندرز می‌دهم که مبادا از نادانان باشی» وی را از حقیقت امور آگاه می‌کند. در این رهیافت گستره و فشرده‌گی زمان در اختیار روایتگر داستان می‌باشد.

۵-۱-۶. شخصیت

در روایت طوفان فرزند نوح عليه السلام از شخصیت پردازی^۲ ایستا^۲ بهره دارد و در طول داستان در برابر خویشکاری هدایتگر ایانه و پویای قهرمان داستان دچار تحول و دگرگونی نمی‌شود. وی در تقابل منکران قرار دارند که از کفر خویش بیرون نمی‌روند و بر بی‌ایمانی خود پای می‌فشارند و حاضر نیستند به‌سان سوار شوندگان کشتی از شخصیت پویایی^۳ بهره داشته و از باشندگان طوفان باشند. شخصیت روایت طوفان، از انبیای الهی با اسم مشخص در راستای اهداف روایتگر دارای کنش است و شخصیت‌های دیگر معاندان هستند که بی‌نام متأثر از آموزه‌های قهرمان روایت نیستند و فاقد دگرگونی مثبت به شمار می‌روند و حتی در قالب انسانی (فرزند نوح عليه السلام) تحول ناپذیر بازنمایی می‌شود.

1. Denouement/ Resolution/ Catastrophe
2. Static Character
3. Dynaminc Character

نتیجه گیری

- ۱- شاخصهٔ زمان، مکان و صحنه پردازی روایت طوفان در دو سطح قابل بررسی است که براساس بافتار و اقتضائات دو سطح، شرایط آن‌ها ناهمسان هستند؛
- ۲- شیوهٔ روایتگری با سویهٔ سطح گفتمان، مؤلفه‌های روایت شناختی به‌سان عنصر زمان، مکان و سایر کنش‌ها را براساس زاویهٔ دید روایتگر که از انعطاف برخوردار است، بازخوانش می‌کند؛
- ۳- هم سخنی نوح علیه السلام با فرزندش در روایتگری قرآن کریم در نظام گفتمانی ویژه و با زاویهٔ دید راوی به همراه انعطاف در روایتگری، زمینهٔ تقدیم و تأخر رویدادها را در روایت فراهم کرد. بنابراین کنش‌های داستانی روایت طوفان (گفتگو و دعا) از شیوهٔ روایتگری در سطح متن یا گفتمان پیروی کرده و چینش کنش‌ها در زمان بر عهدهٔ راوی است که در مرکز جهت دهی قرار دارد و از طریق روایت در پی اشاعهٔ معنا و مبانی خود می‌باشد. براین اساس عنصر زمان و سایر کنش‌های روایت در این سطح از روایت با انعطاف‌پذیری خاص در اختیار راوی است و عمل داستانی از توالی خطی زمانی پیروی نخواهد کرد؛
- ۴- روایتگر داستان با واگویی تنش میان حق و باطل، ایمان و کفر و پیوستار بودن آن در سراسر تاریخ (آیات آغازین سورهٔ هود)، گستره و پیوستگی هدایتگری را در شرایط دشوار و سهمگین حتی در میان موج کوه آسا یادآور می‌شود. براین اساس راوی دانای مطلق در روایت طوفان با بهره‌مندی از فنون متنی و شگردهای ویژه به موضوع همسخنی قهرمان داستان و فرزندش در شرایط دشوار می‌پردازد تا کنش (هدایتگرانه) وی را برای خوانشگران ترسیم نماید و در برابر، هدایت‌ناپذیری ناهمسویان را به نمایش گذارد. در این چینش گسترده و فشرده‌گی زمان در گزینش راوی می‌باشد.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- رهیافت‌ها در تعریف روایت، به تعریف محورانه و کارکردگرایانه قابل تقسیم می‌باشد. براساس رهیافت تعریف محورانه، تراجم عناصر بنیادین روایت (پیرنگ، کنش، توالی، روایت شنو و روایتگر) بازنمون می‌شود. رهیافت کارکردی روایت، مبتنی بر نسبت میان روایت و فهم زندگی معطوف است که در دورهٔ پسا کلاسیک روایت شناسی مطرح شد. (توکلی شاندیز، ۱۳۹۵: ۴۱-۷۱)
- ۲- نظریهٔ ادبی Literary Theory یا بوطیقا، بررسی نظامند ذات ادبیات به عنوان پدیدهٔ فرهنگی و نیز شیوه تحلیل ادبیات است. نظریهٔ ادبی در دوران مدرن آن اشاره به رویکردهای نوینی دارد که از اواسط ۱۹۶۰ آغاز شد و پیش فرض‌های سنت ادب کهن را مورد انتقاد قرار داد.
- ۳- ساختارگرایی متن، مبتنی بر نظریهٔ هرمنوتیکی متن محورانه، با رهیافت درونی به متن به دنبال تأسیس زبان شناختی ویژه است که رولان بارت آن را علم ادبیات می‌نامد. (هارلند، ۱۳۸۶: ۲۸۴) در ساختارگرایی ادبی به جای پرسش از این که معنای یک متن چگونه درک می‌شود یا شاخصه‌های ادبی متن چیست، به دنبال پاسخ به سؤال، معنا در این متن از چه نظمی تشکیل شده است، می‌باشد. این پرسش نظریهٔ ساختارگرایی ادبی را از نظریهٔ معناشناسی، تفسیری و نقد ادبی جدا می‌کند. (کالر، ۱۳۸۸: ۲۵)
- ۴- راوی، گوینده یا آوای گفتمان روایت است و عامل ارتباطی و واسطه‌ای میان داستان با مخاطب یا روایت شنو می‌باشد. در داستان صدای ناظر به حضور نویسنده در متن است و تمایز میان نویسنده و مؤلف را ممکن می‌سازد. (اخوت، ۱۳۷۱: ۹۰)
- ۵- نقش و طرح از جمله عناصر بنیادین داستان است که توسط روایت شناسان ساختارگرا در نظریهٔ ادبی مطرح شد که به ساخت و پرداخت کنش‌های یک داستان می‌پردازد. (والاس، ۱۳۸۲: ۵۷) در سطح خرد، پیرنگ مجموعه‌ای از کنش‌ها و واکنش‌ها، محرک‌ها و پاسخ به محرک‌ها است و در سطح کلان، آغاز، میانه و پایان دارد. عنصر طرح همان رابطهٔ علی و معلولی حوادث داستان است. (میرصادقی، ۱۳۸۰: ۶۱-۸۰) اجزای داستان‌ها براساس پیوند علی و معلولی استوار هستند و با ساختاری هندسی، هر جزء سطح متن مکمل جزء پیشین که در گذر از یک امر متعادل به مرحلهٔ تعادل دیگر است. (اخوت، ۱۳۷۱: ۳۳؛ میرصادقی، ۱۳۸۰: ۷۲)
- ۶- مبانی، «پیش فرض‌های مؤلف برای بنا نهادن جهان داستانی» است. مؤلف برای ساخت جهان داستانی خود باید به پرسش‌های کلی در باب هستی و بایدها و نبایدها پاسخ دهد. این پاسخ‌ها، پیش فرض‌های او در ساخت جهان داستان است. این مبانی، شامل معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی و ایدئولوژی می‌شود. (بوردول، ۱۳۷۷:

۷- التفات، یعنی چرخاندن صورت به سمت دیگر است و در اصطلاح تغییر کلام با هدف سخن گفتن درباره چیزی بیش از موضوع اصلی می‌باشد و این دگرگونی‌ها در زمان فعل و حالت دستوری از ویژگی‌های صنعت التفات است. (حری، ۱۳۸۸: ۱۱۱)

۸- متن روایی، رخدادهایی را بازنمایی می‌کند، ولی این رخدادهای به گونه ای سامان داده می‌شوند که معنایی را به مخاطب منتقل کنند. این معنا را «درون مایه» و «تم» هم می‌گویند. داستان ممکن است یک درون مایه اصلی و چند درون مایه فرعی داشته باشد (بوردول، ۱۳۷۷: ۵۷)

۹- Conflict/Opposition / مؤلفه‌های گره افکنی و کشمکش به هم پیوسته هستند که در داستان، شرایط متعادل نخستین، با عواملی گره ایجاد می‌شود و موقعیت را به سوی بحران و کشمکش سوق می‌دهد. (میرصادقی، ۱۳۶۷: ۱۵۹؛ رضایی، ۱۳۸۲: ۶۲)

۱۰- ۱- کشمکش جسمانی، وقتی است که دو شخصیت درگیری جسمانی دارند و به زور و به نیروی جسمانی متوسل می‌شوند؛ ۲- کشمکش ذهنی؛ وقتی است که دو فکر با هم مبارزه کند؛ ۳- کشمکش عاطفی، زمانی است که عصبان و شور درونی در میان باشد و درون شخصیت داستان را متلاطم کند؛ ۴- کشمکش اخلاقی وقتی است که شخصیت داستان با یکی از اصول اخلاقی و اجتماعی سر مخالفت داشته باشد.

۱۱- Charactera / اشخاصی را که در داستان حضور می‌یابند شخصیت می‌نامند که با توصیف، کنش و گفتگو به تصویر در می‌آیند. (آسابرگر، ۱۳۸۰: ۷۸) شخصیت‌ها در اثر روایتی، با کیفیت روانی و اخلاقی و کنش گفتاری و رفتاری به وسیله نویسنده برای معرفی و شناخت به خواننده را در حیطه داستانی شخصیت‌پردازی گویند. شخصیت‌پردازی به دو صورت ممکن است: الف) شخصیت‌پردازی مستقیم/صریح: نویسنده به واسطه راوی به خوانشگر می‌گوید که وی دارای چه شاخصه‌هایی است؛ ب) شخصیت‌پردازی غیر مستقیم/ضمنی: مخاطب، با توجه کشمکش ذهنی و عواطف درونی وی را می‌شناسد. (میرصادقی، ۱۳۸۱: ۱۹۱-۱۹۳)

منابع و مآخذ

۱. آسابرگر، آرتور (۱۳۸۰)، روایت، ترجمه محمد رضا لیراوی، تهران: سروش.
۲. آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵ق)، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۳. ابن عاشور، محمدبن طاهر (بی تا)، التحریر والتنویر، بی جا: بی نا.
۴. اخوت، احمد (۱۳۷۱)، دستور زبان داستان، اصفهان: نشر فردا.
۵. اندلسی، ابوحنیان محمدبن یوسف (۱۴۲۰ق)، البحر المحیط فی التفسیر، بیروت: دارالفکر.
۶. انوشه، حسن (۱۳۸۱)، دانشنامه ادب فارسی، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۷. ایرانی، ناصر (۱۳۶۴)، داستان: تعاریف، ابزارها و عناصر، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
۸. بی نیاز، فتح الله (۱۳۸۸)، درآمدی بر داستان نویسی و روایت‌شناسی، تهران: نشر افراز.
۹. بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸ق)، انوارالتنزیل و اسرارالتاویل، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۱۰. بوردول، دیوید (۱۳۷۷)، هنر سینما، ترجمه فتاح محمدی، تهران: مرکز.
۱۱. پراپ، ولادیمیر (۱۳۶۸)، ریخت‌شناسی قصه‌های پریان، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: توس.
۱۲. پرینس، جerald (۱۳۹۴)، روایت‌شناسی، مجموعه مقالات: درآمدی به روایت‌شناسی، ترجمه هوشنگ رهنما، تهران: انتشارات هرمس.
۱۳. پروینی، خلیل (۱۳۷۹)، تحلیل ادبی و هنری داستان‌های قرآنی، تهران: فرهنگ گستر.
۱۴. پهلوان، منصور و دیگران (۱۳۹۷)، «تأملی بر نظام چینش آیات در قصص قرآنی با تأکید بر روایتگر طوفان نوح سوره هود (عَلَيْهِ السَّلَام)»، پژوهش‌های قرآن و حدیث، سال ۵۱، شماره ۲، صص ۱۵۵-۱۷۴.
۱۵. ترکمانی، حسینعلی و دیگران (۱۳۹۶)، «تحلیل روایت‌شناختی سوره نوح (عَلَيْهِ السَّلَام) بر مبنای دیدگاه رولان بارت و ژرار ژنت»، فصلنامه پژوهش‌های ادبی-قرآنی، دوره ۵، شماره ۲۳، صص ۹۱-۱۱۶.
۱۶. توکلی شاندیز، ابوالفضل (۱۳۹۵)، «مهم‌ترین رویکردها به تعریف روایت و عناصر آن با نگاهی میان رشته‌ای»، نقد ادبی، سال نهم، شماره ۳۶، صص ۴۱-۷۱.
۱۷. حری، ابوالفضل (۱۳۸۷)، «احسن القصص رویکرد روایت‌شناختی به قصص قرآنی»، نامه ادبی، سال اول، شماره ۲، صص ۸۳-۱۲۲.
۱۸. _____، (۱۳۸۸)، «سنخ‌شناسی و وجوه تمایز قصص قرآنی»، پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره ۱۵، صص ۱-۲۸.
۱۹. _____، (۱۳۸۸)، «مؤلفه‌های زمان و مکان در قصص قرآن»، ادب پژوهش، دوره ۳، شماره‌های ۷ و ۸، صص ۱۲۵-۱۴۱.

۲۰. رضایی، عرب علی (۱۳۸۲)، واژگان توصیفی ادبیات، تهران: فرهنگ معاصر.
۲۱. ریمون کنان، شلو میت (۱۳۸۷)، روایت داستانی: بوطیقای معاصر، مترجم ابوالفضل حری، تهران: نیلوفر.
۲۲. زمخشری، محمود (۱۴۰۷ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دارالکتب العربی.
۲۳. شریف لاهیجی، محمدبن علی (۱۳۷۳)، تفسیر شریف لاهیجی، تهران: دفتر نشر داد.
۲۴. شمیسا، سیروس (۱۳۸۱)، نقد ادبی، تهران: انتشارات فردوس.
۲۵. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴)، المیزان فی تفسیر القرآن، مترجم سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۲۶. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی التفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۲۷. طبری، ابوجعفر محمدبن جریر (۱۴۱۲ق)، جامع البیان فی التفسیر القرآن، بیروت: دارالمعرفة.
۲۸. طوسی، محمدبن حسن (بی تا)، التبیان فی التفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۹. علوی مقدم، مهیار، سوسن پورشهرام (۱۳۸۷)، «کاربرد والگوی کنشگری گرمس در نقد شخصیت‌های داستانی نادر ابراهیمی»، نشریه گوهر گویا، شماره ۱ (پیاپی ۹)، صص ۹۵-۱۱۶.
۳۰. فخر رازی، محمدبن عمر (۱۴۲۰ق)، مفاتیح الغیب، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۱. فولادوند، محمدمهدی (۱۳۷۶)، ترجمه قرآن کریم، چاپ سوم، تهران: دار القرآن الکریم «دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی».
۳۲. کالر، جان (۱۳۸۲)، نظریه ادبی، ترجمه فرزانه طاهری، تهران: نشر مرکز.
۳۳. گیلمت، لوسی (۱۳۸۶)، روایت شناسی ژرار ژنت، تهران: خوانش، شماره ۱۰.
۳۴. مارتین، والاس (۱۳۸۲)، نظریه‌های روایت، ترجمه محمد شهباء، تهران: هرمس.
۳۵. مرتاض، ع (۱۹۹۸)، فی نظریة الروایة، کویت: علم المعرفة.
۳۶. مستور، مصطفی (۱۳۸۷)، مبانی داستان کوتاه، تهران: نشر مرکز.
۳۷. مصطفوی، حسن، ۱۳۸۰، تفسیر روشن، تهران: مرکز نشر کتاب.
۳۸. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیة.
۳۹. میر صادقی، جمال (۱۳۸۶)، ادبیات داستانی قصه، رمانس، داستان کوتاه، تهران: سخن.
۴۰. _____، (۱۳۶۷)، عناصر داستان، تهران: صفا.
۴۱. _____، (۱۳۹۱)، زاویه دید در داستان، تهران: سخن.
۴۲. والاس، مارتین (۱۳۸۲)، نظریه‌های روایت، ترجمه محمد شهباء، تهران: هرمس.
۴۳. ولک، رنه (۱۳۷۵)، تاریخ نقد جدید، ترجمه سعید ارباب شیروانی، تهران: نیلوفر.

۴۴. هارلند، ریچارد (۱۳۸۶)، دیباچه ای تاریخی بر نظریه ادبی، ترجمه بهزاد برکت، گیلان: انتشارات دانشگاه گیلان.

45. Abbot, H, Porter (2002), *The companion Introduction to Narrative*, Cambridge University Press.

46. Genette, Gerard, *Narrative discourse: An essay in method*, Translated by Jane E. Lewin (1980), New York: Cornell University Press.

47. Rimmon - Kenan, Shlomith (2002), *Narrative Fiction, Contemporary poetics*, London: Roulledge.

